

## مصاحبه نشریه مبارزه طبقاتی با پاول سٹیگان



### Pål Steigan

پاول سٹیگان متولد 31 مه 1949 در شهر اسلو، نویسنده  
از رهبران سابق حزب کمونیست کارگران نروژ (مارکسیست -  
لنینیست)

سوال اصلی در مورد تشکل سراسری کارگران در یک کشور دیکتاتوری مثل ایران است.

بعد از انقلاب 1979 طبقه کارگر ایران موفق شد تا دستاوردهای زیادی از جمله تشکیل شوراهای کارگری در محلهای کار، 40 ساعت کار هفتگی و دو روز تعطیلی در هفته، آزادی بیان و ... را بدست آورد.

اما بعد از اینکه نیروهای اسلامی به رهبری خمینی قدرت سیاسی را گرفتند، شروع به بازپس گیری دستاوردهای کردند که کارگران در جریان و بعد از انقلاب 1979 کسب کرده بودند. تشکلهای کارگری و احزاب سیاسی مورد تعرض وسیعی قرار گرفتند، دهها هزار فعال سیاسی اعدام شدند و ... به این صورت آنها قدرت سیاسی شان را مستحکم نمودند.

**سوال:**

با توجه به این وضعیتی که در بالا مختصراً مورد اشاره قرار گرفت، سوال اینست که کارگران ایران چگونه میتوانند تشکل سراسری و طبقاتی خود را بسازند؟

پاسخ:

پاول سٹیگان: پاسخ این سوال برای یک خارجی بسیار مشکل است. استبداد در ایران تاثیرگذار بوده - و همچنانکه خودتان هم نوشته اید - تشکلهای کارگری متفرق و تضعیف شده اند. و از سوی دیگر کلید دقیقاً در سازماندهی طبقه کارگری قرار دارد.

**سوال:**

یا به عبارت دیگر، چگونه کارگران در یک کشور استبدادی که ابتدائی ترین آزادیها تحمل نمیشود، میتوانند تشکلهای خود را ایجاد کنند؟

پاسخ:

پاول سٹیگان: یک پاسخ درست به این سوال وجود ندارد. من فکر میکنم که ضروری است تا از تجزیه و تحلیل شرایط امروز و جمع آوری تجارب شروع کرد. در مانیفست مارکس مینویسد که کمونیستها میخواهند "پرنسیپهای مجزایی که جنبش پرولتری را بدنبال آن بکشاند" شکل بدهند. این در عمل یعنی اینکه کمونیستها بایست نقطه حرکت شان از مبارزه طبقاتی باشد که کارگران

بطور واقعی انجام میدهند و تجارب این مبارزات را جمع بندی کرده و اعلام نمایند. این کار وقت گیر و مشکلی هست، اما من فکر میکنم این تنها راه باز برای رشد و پیشرفت است.

**سوال:**

**آیا ما تجارب بین المللی در باره تشکیل تشکل سراسری کارگران در یک کشور استبدادی سراغ داریم؟**

**پاسخ:**

پاول سٹیگان: همچون تجاربی وجود دارند. در چین من با کمونیستهایی بحث کرده ام که در کار کمونیستی و در مبارزه طبقاتی در شانگهای در دوران دیکتاتوری سفید شرکت کرده بودند. آنها شدیداً تاکید میکردند که کمونیستها باید با جنبش توده ای از نزدیک کار کنند و خیلی از مردم پیشی نگیرند. یک جنبش وسیع در یک "سطح پایین" ترجیح داده میشود به یک "جنبش ایزوله در یک سطح بالا". حتی آنزمان در 1946 آنوقت که بخش بزرگی از کشور تحت کنترل کمونیستی قرار داشت، آنها مخالف مبارزه مسلحانه در شانگهای بودند زیرا آن بهانه ای برای سرکوب وحشتناک جنبش توده ای بدست میداد. به همین جهت آنها به حمایت و رشد عملیات و تقویت جنبشها در سطح پایین که مردم میتوانند شرکت کنند و بر آن اساس تجارب کسب کنند، اهمیت میدادند.

من همین موضوع را با رفقای از اندونزی هم که تحت شرایط بسیار سختی کار میکردند، بحث کرده ام و آنها هم به درجات زیادی مشابه همین را میگفتند. تجارب آرژانتین تحت دیکتاتور هم به همین خط و سو اشاره دارند.

**سوال: تنوری سازمان یا تشکل در این باره چه میگویند؟ برای اینکه کارگران دارای تشکل سراسری خود باشند، بایست به جنبش کارگران از پایین متکی بود یا آیا تعدادی فعالی کارگری میتوانند ایجاد تشکل را از بالا و بدون دخالت و شرکت توده های کارگر اعلام کنند؟**

پاول سٹیگان: بر اساس پاسخ سوال قبلی، میخواهم بگویم: بعنوان قاعده اصلی، از پایین. سازماندهی از بالا تنها یک استثناء و یک حامی (حمایت کننده) است. تحت رژیم دیکتاتور تشکل های هر می خیلی صدمه پذیر هستند زیرا خیلی ساده میتوان آنها را فلج کرد. یک سلول سازمانی در پیوند با یک نوع شبکه میتواند از انعطاف بیشتری برخوردار بوده و آسانتر به بقاء خود ادامه دهد.

من در رابطه با رشد مدلهای سازمانی لنین کار میکنم و آنجا من از "مدل بیولوژیکی" بعنوان یک متافور استفاده میکنم. اگر انسان از مغز بعنوان عکس یا تصویر تشکل استفاده کند، میتوان گفت که ارتباط و همکاری بین مراکز مختلف وجود دارند. تخصص، تعاون و همکاری و قابلیت مقاومت کردن یا مقاوم بودن جزو مواد معقول چنین طرز تفکری محسوب میشوند.

تشکل بایست به اعضای خود انگیزه ی فعالیتی، پیشقدمی و استقلال بدهد و بتوانند از قابلیت عمومی و کلی تشکل الهام بگیرند.

اگر دیکتاتوری بخواهد یک یا چند مرکز را از بین ببرد، بر اساس همین قابلیتها و صلاحیتهای که در تشکل وجود دارد، احیا کردن آن مراکز یا سلولها آسانتر خواهد بود.

**سوال: تاریخ جنبش کارگری نروژ چه چیزی به ما میگوید؟ چگونه آل او (کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری نروژ) نروژ به آل او تبدیل شده است؟ خلاصه اینکه پروسه تاریخی یا متد و روش ایجاد آل او چه بوده است؟**

پاسخ: پاول سٹیگان: آل او ی نروژ همزمان با حزب کارگر و تحت شرایط قانونی تشکیل شد. این موضوعی است که به جا و وقت زیادی نیاز دارد چنانچه بخواهیم آنرا خیلی خوب بررسی نماییم. جنبش کارگری در معرض ستم و سرکوب قرار گرفته بود، اما به جزء دوران اشغال آلمان، یک استبداد مطلق حاکم نبوده است. مادر من در مطبوعات غیر قانونی دوران جنگ فعال بود. این کاری خیلی سخت و همراه با مخاطرات فراوان بود.

**سوال: چگونه طبقه کارگر ایران میتواند از تجارب کارگران نروژ و کشورهای دیگر برای ایجاد تشکل سراسری خود استفاده نماید؟**

پاسخ: پاول سٹیگان: من نمیدانم که آیا ما در نروژ چیزی داریم که به طبقه کارگر ایران ارائه دهیم. من سه بار از ایران دیدن کرده ام، و هر چند که استبداد در آنجا حاکم است اما مشکل نیست که انسان با مردمی مهربان و علاقه مند روبرو شود که جرات دارند تا نظرات خود را بیان کنند. مردم ایرا با همه ملیتهای که دارد مبارزه مهمی انجام میدهند که من با علاقه فراوان آنرا دنبال مینمایم.

با تشکرهای فراوان به شما پاول سنیگان که نظراتتان در مورد ایجاد تشکل سراسری کارگران را با ما در میان گذاشتید.